

زنبق‌های عاشق

منیرالسادات موسوی

www.ketab.ir

موسوی، منیرالسادات.
زنیق‌های عاشق / منیرالسادات موسوی.
تهران: کتاب نیستان، ۱۳۹۳.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۷-۷۷۴-۸
داستان‌های فارسی - قرن ۱۴.
PIR ۸۲۲۳ / ۹۷۸۴۷۵۶۵۹۱۳۹۳
۸۱۵۳/۶۲
۳۴۱۵۹۰۹

زنیق‌های عاشق
منیرالسادات موسوی
جلد از نیگس زبانی
کتاب نیستان
چاپ اول ۱۳۹۳ - ۲۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۷-۷۷۴-۸
چاپ و صحافی: کانونچاپ
نیستان: ۵-۲۲۶۱۲۴۴۳
۱۱۰۰۰ تومان
ارتباط با شما ۳۰۰۰۸۵۵۲
www.neyestanbook.com

کتاب راوی

زندگی بشر زنجیره مستمری است که حلقه‌هایش به گونه‌ای تکرار شده‌اند، با این که حافظه تاریخ یاری می‌دهد انسان پیوسته در تلاطم جنگ‌ها، ناآرامی‌ها، صلح‌های بی اعتبار بوده است؛ اسارت و مرارت، مرگ یا ماندن در وحشت، اسطراب همراه همیشگی او بوده‌اند.

گاه قبیله‌ای غارتگر گاهی مغلوب شده‌اند و امروزه هر چه به گذشته می‌نگریم آنچه شنیده‌ایم و دیده‌ایم یا آنچه در پیش رو داریم بی شباهت به هم نیستند، تمدن‌های پرفروغ و حاکم‌های پراستراک بشری دستخوش چپاول شده‌اند و دستاورد سالیان انسان در یک لحظه ننگه مان و زنان عرصه‌های مختلف تاریخی را از گذرگاه دیگر ممتاز کرده و نوع نگاه ما مان و زنان عرصه‌های مختلف بوده است در مواجهه با تاخت و تازها و بربریت تاریخی.

در هزاره‌های زندگی بشر بر روی کره زمین تاخت و تازها علل و بهانه‌های دوگانه‌ای داشته است. جنگ‌هایی برای تسلب ثروت و منابع سرزمین‌ها بوده است و جنگ‌هایی برای غلبه بر باورها و اعتقادات ملت‌ها. در این جنگ‌ها گروهی با تکیه بر سلاح و توان و نیروی خود بر ملت‌های تاخته‌اند و منابعش را به تاراج برده‌اند و ملت ستم‌دیده یا به سختی مقابله کرده و پابرجا مانده و یا تسلیم را برگزیده است. اما آنجا که جنگی برای غلبه بر باورها و اعتقادات ملتی بوده چشم تاریخ هرگز پیروزی قوم مهاجم را ندیده است، مگر آنکه تسلیم ملتی در برابر ارزشی والا و الهی بوده باشد که آن را نه تسلیم، بلکه تصدیق حق گفته‌اند.

تاریخ در گذر هزاران ساله خود از جهان خاکی شاهد مردان و زنانی بوده است که هر کدام پاره‌ای بوده‌اند از خورشید، بی‌ادعا، تأثیرگذار و الهام‌بخش.

روزگاری نه چندان دور، زمان در گذر خویش از فضای سرزمین ما، ایران عزیز چشم به جوانانی دوخت که به محض شنیدن طبل جنگ مردانه قلم کردند، چون رعد غریدند و چون ابر باریدند، حماسه آفریدند و قلم برداشتند. دل‌های پاک و بی‌قرارشان در گرمای سوزان و رمل‌های نرفته جوی آب گرفت و پیکرهای متبرکشان در سرمای کُشنده صخره‌های پیر از برف کوهستان جاودانه شد.

اگرچه محققان نوین از این مردان پرشور و حماسه‌ساز کاری بس دشوار و گاهی ناممکن می‌دانند، اما گاه قلم به دستانی متعهد تلاش کرده‌اند در این عرصه با داسنامه‌هایی قصه‌پردازی و گاه در الفاظی شاعرانه شرحی هر چند اندک از این حماسه‌ها را به نظر ما بازگو کنند.

این حقیر بی‌آنکه قدرتی در داستان‌پردازی و قصه‌پردازی داشته باشم، تنها راوی‌ای هستم که بر خود تکلیف می‌داند روایتگر زخم‌هایی باشم که در دفاعی مقدس پیکر مردان سرزمینم را برای گرفتار رنج و آشفته‌گی زنان سرزمینم را باعث شد؛ زنانی که صبوری در دل می‌ریختند و گریستند، شانه‌هایشان زیر بار مصیبت خم شد، اما با اقتدا به اسوه‌شان حضرت زینب کبری (س) قامت برافراشتند و شأن نزول این آیه مبارک شدند:

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»

«برخی از آن مؤمنان بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدا بستند کاملاً وفا کردند؛ پس برخی بر آن عهد ایستادگی کردند (تا به راه خدا شهید شدند) و برخی به انتظار مقاومت کرده و هیچ عهد خود را تغییر ندادند.»